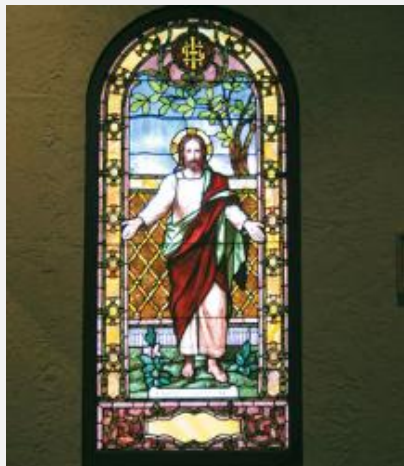


تاریخ مسیحیت صهیونیست

مسیحیت صهیونیست با وجود ریشه‌های پروتستانی خود، برای نخستین بار در اواخر قرن نوزدهم میلادی ظهور کرد. جان داربی (John Nilson Darby) کشیش معروف انگلیس، که در سال 1882 م درگذشت، مسیحیت صهیونیستی را به عنوان «عملی نمودن خواسته‌های مسیح» و تحقق پیش گوئی‌های انجیل بین پروتستان‌ها ترویج کرد ...



مسیحیت صهیونیست با وجود ریشه‌های پروتستانی خود، برای نخستین بار در اواخر قرن نوزدهم میلادی ظهور کرد. جان داربی (John Nilson Darby) کشیش معروف انگلیس، که در سال 1882 م درگذشت، مسیحیت صهیونیستی را به عنوان «عملی نمودن خواسته‌های مسیح» و تحقق پیش گوئی‌های انجیل بین پروتستان‌ها ترویج کرد.

پس از او کشیشان پروتستان دیگری چون دی. ال. مودی، ویلیام بلاکستون و سایر اسکوئیلد به تبلیغ مسیحیت صهیونیستی پرداختند. اسکوفیلد انجیل را مطابق افکار جان داربی انگلیسی تفسیر کرد و این تفسیر امروزه معتبرترین تفسیر و بهترین مرجع انجیل برای پروتستان‌ها محسوب می‌شود. بر این اساس پیروان این فرقه خود را مبلغان انجیل (کلیسای انجیلی) می‌دانند و تنها خود را اهل نجات محسوب می‌کنند. کشیش بلاکستون، که به عنوان پدر صهیونیسم مسیحی در آمریکا معروف است، در دهه 1880 م طی ملاقات‌های مکرر با رهبران سیاسی، دینی و سرمایه داران بزرگ آمریکا آنان را متقاعد کرد تا برای ایجاد کشور اسرائیل در سرزمین فلسطین تلاش کنند، در سال 1891 میلادی نیز نامه‌ای را با امضای 413 نفر رهبران ارشد سیاسی، سرمایه‌دار و دینی از جمله اسقف اعظم کاتولیک‌های وقت آمریکا، کاردینال گیبین برای رئیس جمهور وقت آمریکا بنجامین هاریسون فرستاد تا رئیس جمهور آمریکا برای ایجاد اسرائیل تلاش کند.

با ظهور این فرقه در مسیحیت، صهیونیسم یهودی قوت گرفت و در قرن 20 با کمک دولت انگلیس و آمریکا اسرائیل بنیان نهاده شد.

دولت آمریکا در سال 1917 م. در اثنای جنگ جهانی اول از اعلامیه بالفور حمایت کرد. در سال 1947 م. هری ترومن رئیس جمهور آمریکا از تقسیم فلسطین پشتیبانی کرد و در سال 1948 م. تأسیس دولت نامشروع اسرائیل را به رسمیت شناخت. ریشه این حمایت‌ها را باید در رسوخ افکار مسیحیت صهیونیستی در جامعه و دولتمردان آمریکا پی‌جست. رؤسای جمهور آمریکا از زمان جیمی کارتر تا جورج بوش دوم به صراحت‌گرایش خود را به مسیحیت صهیونیستی نشان داده‌اند. ایالات متحده آمریکا از سال 1976 شاهد رشد و گسترش مسیحیت سیاسی بنیادگرا و یا «راست مسیحی» بوده است. تا یک‌سوم آمریکاییان از نو غسل تعمید به جای آوردند - مسیحیانی که دوباره متولد شدند - پیروان کلیساهای افراطی افزایش یافتند، شبکه‌های تلویزیونی مذهبی (کلیساهای تلویزیونی) تأسیس شدند و سازمان‌های «راست مسیحی» با عنوان‌های اکثریت اخلاقی، ائتلاف مسیحی، احیای بنیادگرایی، شورای مطالعات خانواده، تأکید بر خانواده و ائتلاف ارزش‌های سنتی یکی پس از دیگری ظهور کرد. این سازمان‌ها گفتمان اصول گرایانه‌ای را آغاز کردند که مهم‌ترین بخش آن توجه به آینده جهان و بازگشت یا ظهور دوم مسیح (Second Coming) است. آنان خواستار جلوگیری از سقط جنین، تحریم همجنس‌بازی، اجازه دادن برای برگزاری نماز در مدارس‌اند و مخالف اصولی از قانون اساسی آمریکا هستند که بین کلیسا و دولت (دین و سیاست) جدایی می‌افکند.